

مریم حیدر زاده

یا تو یا هیچکس

(مجموعه شعر)

تهران،

انتشارات پروین

حیدرزاده، مریم، ۱۳۵۶ -
یا تو یا هیچکس (مجموعه شعر) / مریم حیدرزاده. - تهران:
پروین، ۱۳۸۱. ۱۰۹ ص.

ISBN 964-7604-15-7

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان.

۸۶۱/۶۲

PIR۸۰۳۱/۳۶ ی ۲

ی ۹۴۴ ح

۱۳۸۱

م ۸۱-۱۰۴۱

کتابخانه ملی ایران



صندوق پستی ۷۷۵-۱۳۱۴۵

حیدرزاده، مریم

یا تو یا هیچکس

حروفنگار: مینو ارجمندی

طرح جلد: عزیز محسنی

چاپ دوازدهم: ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است

M.Respina@hotmail.com

صندوق پستی شاعر: ۱۱۶-۱۷۸۳۵

تلفن مرکز بخش: ۶۶۴۱۴۲۳۰-۶۶۹۶۱۴۹۵ (بویای معین)

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

فهرست اشعار

۹	من تو رو می‌خوام اونارو نمی‌خوام.....
۱۴	یک حقیقت تلخ.....
۱۸	هیچ‌کسی زیبا نمی‌شه.....
۲۱	حسرت داشتن تو.....
۲۴	گدای معمولی.....
۲۸	می‌خوام برات بمیرم شاید که باور کنی.....
۳۴	من دیوونه رو باش که.....
۳۷	من نباشم.....
۴۳	بیا، باشه.....
۴۶	منو ببخش.....
۴۹	دلخوشیای بیخودی.....
۵۴	بچه بودم.....
۵۸	نرو زیبا.....
۶۱	تو یعنی خود زیبا.....
۶۳	دوس ندارم.....
۶۷	بهم برگردون.....
۶۹	ازم گرفت.....
۷۱	تو می‌خوای.....
۷۳	حدس تلخ خواستگاری.....
۷۶	دیوونتم، دیوونتم، دیوونه.....

۷۸	شبیهِ سال دوهزار
۷۹	زمزمه‌ای پای گهواره
۸۲	یک فنجان تمنا
۸۴	اگه تو مال من بودی
۸۶	صبورم هنوز
۸۸	برای دیدن تو
۹۱	وقتی که عاشقم شدی
۹۳	حالا که رفتم و گشتم
۹۸	خسته شدم
۱۰۱	من با تو هرگز
۱۰۴	بازم نامه
۱۰۷	دوبیتی
۱۰۷	با ترس
۱۰۷	زیباتر
۱۰۷	مال کسی نیست
۱۰۸	اورفت تا بماند
۱۰۸	آخر مُردم
۱۰۹	تک بیتی

به نام خالق زیبایی‌ها

می‌گویند متولد ۲ بعد از ظهر ۲۹ آبان ۵۶، عاشقِ گلی
سرخ، رنگِ سرخ و هر چیزِ سرخ، شیفتهٔ رله رفتن زیر
باران البته بدونِ چتر، شب‌ها بی‌خواب است و
روزها بی‌تاب، هوایش پر از تنفسِ حافظ و عطرِ
مولانا است و محکومت به زنده ماندن نه زندگی.

دلباختهٔ غروبِ دریا و طلوعِ رؤیاست، ذهن
آشفته‌اش پر از بریده‌های بیادِ شاملو و سهراب و
نیاست، از سنت‌ها تغافل و شبِ یلدا را بیشتر
می‌پسند، شمالی‌ترین نقطهٔ دلش مالِ کسی است که
هرگز دوستش نداشته و ندارد، تنهاست، مثل
کوه‌هایی که به قولِ قدیمی‌ها به هم نمی‌رسند، گه‌باز
آن قدیمی‌های مهربان که ببینند آدم‌ها هم مثل
کوه‌ها اینچنین‌اند، ترسش از ترسیدن است و از
اینکه ترسِ او بی‌که نمی‌خواهدش از رسیدن باشد،
فقط یک آرزو دارد نوی این دنیای بزرگ اما کوچک،
آن هم هنوز مثلِ تمشک‌هایی که پشتِ چشمِ
برگ‌های تیغ‌دار پنهان شده و دور از نور
مانده‌اند، کال‌اند.

سبزی دارد پر از خالی و پنجه‌ای که رو به خانهٔ
هیچکس باز نمی‌شود.

لقبش مجنون است البته با اجازهٔ خودش و
تخلصش رسپیناست که در زبانِ سانسکریت آن را
پاییز معنا می‌کنند، سرنوشتی دارد پر از خطوط
سرگردان و مبهم و منتظر کسی است که روزی قمار

بود برای همیشه بیاید و بماند اما حالا دلش هم
برای او تنگ نمی‌شود، هر وقت به آرزوستان
رسیدید دعایش کنید این حرف همیشه، اول و آخر
اوست، با وجود تمام این حکایت‌ها و شکایت‌ها
تنها یک حرف برای گفتن دارد، هم به او و هم به
همه آنانی که حرف‌هایش را به خاطر آن اوی گمشده
نیامده می‌خوانند، باز هم یا تو یا هیچکس.

مریم حیدرزاده (رسمی)